چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۶۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

عبدالرضا فرجی‌راد، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تلاش آمریکا و عربستان برای پایان مرگ موقت عادی‌سازی

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

حدود ۱۰۰ روز پیش نیروهای مقاومت فلسطینی اتفاقی را رقم زدند که تحولات بزرگی را در منطقه نوید می‌داد. حال با گذشت زمان نشانه‌هایی از این تحولات در حال پدیدار شدن است. یمن که روزی از موضع تدافعی در مقابل عربستان و حامیان غربی و عربی آن قرار گرفته بود اکنون در موضعی تهاجمی این قدرت‌ها را برای دفاع از امنیت اسرائیل به تکاپو واداشته است. همزمان پروژه عادی‌سازی روابط که در قالب طرح آیمک تا چند روز قبل از ۷ اکتبر توسط شخص بایدن پیگیری می‌شد معلق مانده و بار دیگر فشارها برای تحمیل ایده دودولتی به اسرائیل آغاز شده است. حمایت از مردم فلسطین دیگر از سطح مسلمانان فراتر رفته است. علاوه بر حمایت‌های خیابانی ملت‌های مختلف از فلسطین برخی دولت‌ها نیز نسل‌کشی رژیم صهیونیستی را فریاد می‌زنند. وارثان ماندلا در آفریقای جنوبی پس از پایان بخشیدن به رژیم آپارتاید این کشور، پرچم مبارزه با نئوآپارتاید را بر دوش کشیده و به دنبال اثبات حقوقی نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در دادگاه لاهه هستند. برای مقایسه فضای منطقه پس از ۷ اکتبر با زمانی که هنوز قدرت تونل‌های حماس به رخ کشیده نشده بود به سراغ عبدالرضا فرجی‌راد، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و سفیر اسبق ایران در نروژ رفته‌ایم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

عربستان می‌خواهد وقفه چند ماهه در عادی‌سازی را با یک جهش جبران کند

عبدالرضا فرجی‌راد در پاسخ به این سوال که آیا پس از آتش‌بس احتمالی روند عادی‌سازی روابط به دوران پیش از ۷ اکتبر باز می‌گردد و آیا عربستان حاضر است تن به معامله عادی‌سازی بدهد یا نه، این احتمال را منتفی دانست و گفت: «به نقطه ابتدایی برنمی‌گردد. در این طرح ابراهیم که فقط عربستان نبود. عربستان از این بعد مهم است که اگر این کار انجام می‌شد و رابطه‌اش برقرار می‌شد، بقیه کشورهای اسلامی هم دنبالش راه می‌افتادند و به احتمال قوی، نزدیک به ۹۰ درصدشان همین مسیر را طی می‌کردند. با قضیه ۷ اکتبر توقفی در رابطه عربستان و اسرائیل ایجاد شد. خود بن‌سلمان در سخنرانی‌اش در سازمان ملل قبل از این اتفاق گفت که ما داریم به این مسیر و هدف نزدیک می‌شویم اما این حرکت یعنی طرح ابراهیم در روابط دیگر کشورهای مسلمانی که قبل از ۷ اکتبر با اسرائیل رابطه برقرار کردند، تاثیر چندانی نداشته. امارات امروز نقش مهمی دارد، حتی شایعاتی مطرح بود و اسنادی هم در فضای مجازی آورده شد که البته صحت‌وسقم آن را نمی‌دانیم ولی امارات در این جنگ کمبودهای اسرائیل را برآورده کرده و بحرین، مراکش و سودان هیچ تغییری در سیاست‌هایشان در این ۱۰۰ روز کشتار فلسطینیان ایجاد نکرده‌اند. کشورهای اردن و مصر هم تغییری ایجاد نکرده‌اند، لذا در کار عربستان وقفه‌ای ایجاد شده که حالا می‌خواهند این سه ماه وقفه را با یک جهش جبران کنند. با سفری که آقای بلینکن به منطقه داشت و با سعودی‌ها صحبت کرد، بن‌سلمان هم متقاعد شد و هر دو یک حرف را زدند. جهش این بود که اگر اسرائیل حملات خودش را به غزه متوقف کند و طرح دودولتی که آمریکا دنبال می‌کند بپذیرد، عربستان حاضر است به سرعت رابطه با اسرائیل برقرار کند، بنابراین نمی‌شود خیلی امیدوار بود.»

انتخابات آمریکا عامل فشار کاخ سفید به صهیونیست‌ها برای پذیرش ایده ۲ دولتی است

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل امکان تحقق ایده دودولتی را وابسته به اعمال فشار آمریکا به صهیونیست‌ها دانسته و معتقد است: «این حرفی که سعودی‌ها زده‌اند، بستگی به میزان فشار آمریکا روی اسرائیل دارد. الان ۲۰ روز است که روابط‌شان تیره است. حتی در آخرین تماس تلفنی بایدن با نتانیاهو ظاهرا اختلاف نظر داشته‌اند و او گوشی را زمین گذاشته. هرچه به انتخابات آمریکا نزدیک می‌شویم جمهوری‌خواهان دارند رشد می‌کنند، حالا چه نیکی هیلی و چه ترامپ. لذا بایدن و کاخ سفید هم نگران هستند و می‌خواهند این قضیه تمام شود، چون روی رایشان اثرگذار است. می‌خواهند چند ماهی فرصت داشته باشند، یعنی وقتی دموکرات‌ها می‌خواهند راهی بازی انتخابات شوند، تمایل دارند مساله غزه و این جنایتی که اسرائیل در غزه انجام داده، از ذهن‌ها دور شده باشد. به همین دلیل هم دارند تلاش می‌کنند که این دادگاه بین‌المللی آفریقای جنوبی سرهم‌بندی شود و کش پیدا نکند. در این وضعیت جنگی اسرائیل نمی‌خواهد مغضوب افکار عمومی جهان عرب و اسلام باشد. من پیش‌بینی می‌کنم در چند هفته آینده ما آرامش بیشتری نسبت به امروز در غزه داشته باشیم. اسرائیلی‌ها الان از مرکز و شمال غزه دور شده و حملات‌شان را به این دو منطقه کمتر کرده‌اند. امیدواریم که حمله به جنوب را هم قطع کنند. من احساس می‌کنم که مذاکرات پشت پرده‌ای دارد دنبال می‌شود. حالا شاید حماسی‌ها هم باشند یا قطر در آن دخالت داشته باشد. اگر این به نتیجه برسد و نتانیاهو احساس کند که قدرتش به خطر جدی افتاده و بپذیرد، ممکن است سعودی‌ها وارد یک بازی جدید در این باره بشوند.»

عربستان برای تحقق اهداف اقتصادی خود مواضعی دوگانه در قبال یمن دارد

بعد از اینکه آمریکا و انگلیس یمن را در دریای سرخ هدف قرار دادند، عربستان واکنش نشان داد و گفت نباید منطقه را ناامن کرد، درحالی‌که تا پیش از این عربستان به‌تنهایی داشت با یمن می‌جنگید. فرجی‌راد در تحلیل اینکه این تفاوت موضع ناشی از تغییر رویکرد عربستان است یا صرفا سر و صدایی تبلیغاتی برای دور نگه داشتن خود از هزینه‌های جنگ است، گزینه دوم را موثر دانسته و معتقد است: «عربستان یک واکنش دوگانه دارد. درواقع یک واکنش بیانی دارد و یک واکنش عملی، آن‌طور که من درک کردم. واکنش بیانی‌اش این است که از آتش‌بس حمایت می‌کند و اسمی از حماس نمی‌آورد، چون امارات و بحرین و عربستان به حماس و اخوان حساس هستند. لذا عربستان سعودی با توجه به فشار افکار عمومی چه در خود این کشور و چه در کشورهای اسلامی که بالاخره با عربستان خیلی نزدیک هستند و روابط دارند، یک واکنش بیانی مثبت دارد و طبق آن می‌گوید باید آتش‌بس شود و حوثی‌ها و آمریکا را به خویشتن‌داری دعوت می‌کند اما یک واکنش عملی هم دارد که با واکنش بیانی‌اش نمی‌خواند. وقتی حوثی‌ها یک ماه قبل موشکی به سمت اسرائیل پرت کردند، عربستان بود که چند بار موشک‌های آنها را خنثی کرد تا به اسرائیل نخورد. هواپیماهای آمریکایی سه، چهار روز پیش از خاک عربستان و از خلیج فارس و پایگاه قطر و بحرین عبور و مقرهای نظامی و انبارهای تسلیحاتی حوثی‌ها را بمباران کردند. عربستان می‌خواهد با حوثی‌ها درگیر نشود، چون یک استراتژی ژئوپلیتیک توسعه‌گرایانه و باثبات را در پیش گرفته است یک استراتژی ژئوپلیتیکی تنش‌زا داریم که بن‌سلمان همین سه سال پیش در رقابت سخت با ایران، ترکیه و... دنبال می‌کرد اما با توجه به اینکه توسعه‌محوری را انتخاب کرده، یک استراتژی ژئوپلیتیک ثبات‌زا را پیگیری می‌کند. این استراتژی می‌گوید شما می‌توانید از طریق ثبات قدرتمند شوید. وقتی شما می‌توانید یک شهر ۵۰۰ میلیارد دلاری هوشمند بسازید که در منطقه ثبات باشد. بر طبق همین استراتژی ژئوپلیتیک ثبات‌زا با ایران و چینی‌ها ارتباط برقرار کرده، بنابراین من فکر می‌کنم عربستان علاقه‌مند است با اسرائیل ارتباط برقرار کند اما از آن طرف هم می‌خواهد مساله فلسطین هم حل‌وفصل شود تا در منطقه ثبات برقرار باشد و دست ایران کوتاه شود از اینکه جبهه مقاومتی فعال‌تر شود، چون وقتی حماس هم با کرانه غربی رود اردن هماهنگ شود و دو کشور را بپذیرند، دیگر بهانه‌ای برای بودن جبهه مقاومت نخواهد بود، چون جبهه مقاومت درواقع برای ایجاد کشور فلسطین بوده است.»

جنگ غزه پیمان صلح بین ایران و عربستان را به هم نمی‌زند

فرجی‌راد در ادامه به اثرات توافق عادی‌سازی روابط ایران و عربستان بر موضع این کشور در مورد جنگ و همچنین اثرات متقابل جنگ بر اجرایی شدن این توافق پرداخته و توضیح می‌دهد: «من معتقدم که این به هم نمی‌خورد، مگر اینکه یک حادثه غیرمترقبه ایجاد شود. عربستان نمی‌خواهد به هم بخورد، چون صلح با یمن برایش مهم است. برایش مهم است که از یمن موشکی به ساختار نفتی‌اش نخورد. رابطه با ایران هم برایش مهم است، چون وقتی رابطه‌اش با ایران خوب باشد، می‌تواند روابطش با دیگر کشورهای اسلامی را هم ادامه دهد. اگر با ایران دشمن باشد بقیه کشورها مثل مصر، اردن و کشورهای دیگر حاشیه خلیج فارس هم جرات نمی‌کنند به سمت ایران حرکت کنند، بنابراین باید درک کرد که سخت است کسی بتواند این رابطه را قطع کند. مساله دوم درباره اینکه چقدر این رابطه می‌تواند در منطقه نقش داشته باشد، باید عرض کنم آن انتظاری که در ابتدای ایجاد رابطه با وساطت چین ایجاد شده بود، حتی رابطه اقتصادی گسترده و... دیگر از بین رفته، یعنی ما و آنها نتوانستیم به اعتمادسازی چندهفته‌ای جواب مثبت دهیم. به همین خاطر به هواپیمایی که بلند شده برای حج عمره، می‌گویند نمی‌توانید بنشینید. هنوز هم بعد از یک هفته تا ۱۰ روز نتوانسته‌ایم حلش کنیم، چون نتوانستیم اعتمادسازی چند هفته اول را به وجود آوریم. همچنین شاهد به وجود آمدن نزاع بین ایران، کویت و عربستان بر سر مالکیت میدان گازی آرش بودیم. ما بیشتر و بهتر از اینها می‌توانستیم با عربستان کار و رفت‌وآمد کنیم و به افکار همدیگر نزدیک‌تر شویم. در رابطه با همین حوثی‌ها، می‌توانستیم بهتر با هم صحبت کنیم و من این را در رابطه بین ایران و عربستان ندیدم. الان شاید حوثی‌ها بیش از دو، سه ماه است که در دریای سرخ علیه اسرائیل فعال هستند. ما در قضیه غزه با حوثی‌ها کم کار کردیم. آن طرف هم مقصر است. اینها مسائلی هستند که در دیپلماسی خیلی اهمیت دارند. زمانی فرصت‌هایی ایجاد می‌شود که انگیزه‌ای برای همکاری‌های بیشتر باشد. باید از اینها استفاده کرد که نکردیم.»

تجارت، امارات را از محکومیت سیاسی مصون نگه داشته است

سفیر اسبق ایران در نروژ این مساله را که چرا جبهه مقاومت در مقابل کشوری مثل امارات که درحال کمک‌رسانی به رژیم صهیونیستی است واکنش نشان نمی‌دهند، این‌گونه پاسخ می‌دهد: «چه بخواهیم و چه نخواهیم، دبی کانون تجارت است. مثل لامپی است که به اطراف خودش نور می‌دهد. الان روسیه، اوکراین، هند، پاکستان، عراق و ایران به دبی وابسته هستند. واقعیت این است که امارات توانسته برای خودش ساختاری ایجاد کند که کانون تجاری باشد و همه کشورها از طریق سیستم بانکی و تبادل ارزی او به واردات و صادرات بپردازند. مانند نقشی که هلند در اروپا یا صندوق پول در خاور دور دارد. مساله اصلی ما هم همین است. ما هم در این تحریم‌ها نیازمند مسائل ارزی هستیم.»

چین و روسیه در مورد مساله غزه با راهکار جهانی دودولتی همسو هستند

سفیر اسبق ایران در نروژ در ادامه به مساله تفاوت راهبردهای ایران با روسیه و چین در مورد مساله غزه پرداخت. فرجی‌راد البته این تفاوت دیدگاه را بی‌تاثیر بر سایر پرونده‌های مشترک بین ایران با این دو کشور دانست و گفت: «ما با روسیه و چین اختلاف نظر حتما داریم. ما طرحی را در ارتباط با مقاومت و فلسطین پیش می‌بریم و آنها یک طرح جهانی را پذیرفته‌اند، یعنی طرح دودولت و رسما هم اعلام کردند که البته ما مخالف آن هستیم. به هرحال روسیه و چین دو دیدگاه متفاوت دارند، در عین اینکه طرح آنها طرح دودولتی است و آن را می‌پذیرند. اما روس‌ها بازی می‌کنند، یعنی هم خودشان را با جامعه جهانی هماهنگ می‌کنند و هم با ایران بازی می‌کنند. یک روز ممکن است در مساله‌ای با غرب تند و تیز باشند، یک بازی‌ای به نفع ایران انجام می‌دهند. زمان دیگر اگر ببینند لازم است چراغ سبزی به غرب نشان دهند، این کار را می‌کنند تا بتوانند در جنگ اوکراین دست برتر را داشته باشند. بنابراین حرفی را می‌زنند یا رایی را می‌دهند یا طرحی را وتو نمی‌کنند اما چینی‌ها سعی می‌کنند از بحران فرار کنند و تنها نگرانی‌ای که دارند، نگرانی اقتصادی است و نمی‌خواهند با ایران هم مخالفت علنی داشته باشند. اگر در رابطه با باب‌المندب و دریای سرخ نگران هستند، صرفا به این خاطر است که بیشترین کشتی را چین عبور می‌دهد و نگران هستند که نکند در تجارت‌شان اختلال ایجاد شود و مجبور شوند کشتی‌ها را با دو هفته تاخیر و افزایش هزینه عبور دهند. الان هم به نظر می‌رسد حوثی‌ها به آنها این اطمینان را داده‌اند که هیچ نگرانی‌ای بابت کشتی‌هایشان نیست و دارند به‌راحتی از این منطقه عبور می‌کنند. استراتژی هر دو کشور چین و روسیه در ارتباط با مساله فلسطین با استراتژی جهانی یکسان است اما بازی هرکدام متفاوت است.»

تجربه یمن از جنگ با عربستان به این کشور انگیزه تقابل با اسرائیل را داد

فرجی‌راد نقش یمن در تغییر معادلات منطقه را نیز مورد اشاره قرار داد و اقدامات این کشور را متاثر از تجربه‌ای دانست که این کشور در جنگ با عربستان و حامیان آن کسب کرده بود. او اقدامات یمن را این‌گونه ریشه‌یابی می‌کند: «عربستان در جنگ تنها نبود و تجهیزات زیادی را می‌گرفت و خرج می‌کرد که رقم هنگفتی هم بود. یمنی‌ها بعد از موفقیتی که در رابطه با عربستان داشتند، می‌گویند مگر غربی‌ها چه کار می‌خواهند بکنند؟ این استدلال‌شان است. یمنی‌ها در زمین نبرد با دو جبهه می‌جنگیدند. عربستان نیرو از دو جبهه وارد کرده بود؛ یکی از جبهه خود عربستان و یکی هم از جبهه داخل یمن که عربستان و امارات از آن حمایت می‌کردند. از نظر هوایی هم که عربستان همه جا را بمباران می‌کرد؛ از مدرسه و بیمارستان گرفته تا زیرساخت‌ها. الان یمنی‌ها استدلال‌شان این است که غرب چه کار می‌خواهد بکند؟ نیرو که به آن صورت نمی‌تواند وارد یمن کند. اگر قرار بود که برنده شوند، همین یمنی‌هایی که با انصارالله می‌جنگیدند و همه نوع ابزاری هم داشتند، برنده می‌شدند. یک سری زیرساخت‌ها بوده که همه را عربستان نابود کرده. اگر هم بخواهند مردم و خانه‌ها را بزنند که قضیه فرق می‌کند. ضمن اینکه مثل ما این تحلیل را دارند که آمریکا هم گرفتار است و نمی‌خواهد جنگ گسترش یابد، چون هم انتخابات دارد و هم روسیه از این فضا استفاده کرده و هم چین در تایوان بهره می‌برد. یمنی‌ها آدم‌های باهوش و اهل تحلیلی هستند. تصور من این است که این اقدامات بی‌تاثیر در جنگ غزه نبوده. نمی‌خواهم بگویم خیلی تاثیر داشته اما همین که اسرائیلی‌ها در شمال و مرکز غزه کاملا برنده نشده‌اند و فقط یکی، دو تا تونل نشان داده‌اند، درحالی‌که ۴۰۰-۵۰۰ کیلومتر تونل است، باعث می‌شود که فشارهای جهانی و آمریکا برای عدم کشتن مردم زیاد شود، لذا این بی‌تاثیر نبوده است.»

اقدامات ایجابی یمن نباید اثر رسانه‌ای جنگ غزه و دادگاه لاهه را خنثی کند

سفیر سابق ایران در نروژ در پایان ضمن قابل تحسین خواندن اقدامات ایجابی یمن، در بعد سلبی نیز این کشور را از به حاشیه بردن اخبار غزه برحذر می‌دارد و این‌گونه توضیح می‌دهد: «یک چیز را ما نباید از بعد سلبی از یاد ببریم. اقدامات یمن همه ایجابی بوده‌اند. یمنی‌ها نباید کاری کنند که مساله غزه خبر چندم شود، یعنی الان چند روز است که شما در همه خبرگزاری‌های فارسی و غیرفارسی بگردید، خبر اصلی، خبر یمن است. خبر کشتار در غزه کمرنگ شده. خبر کاری که آفریقای جنوبی دارد در دادگاه بین‌المللی می‌کند، تحت‌تاثیر خبر یمن و دریای سرخ واقع شده. اینها خیلی مهم هستند. اگر اسرائیل در دادگاه لاهه محکوم شود، همه مسائل هولوکاست و اینها تضعیف می‌شود و خودشان خیلی نگران این مساله هستند. اینکه اثبات شود که آنها کاری کرده‌اند که هیتلر کرده، طبیعتا دیگر نمی‌توانند خودشان را در صحنه جهانی مظلوم نشان دهند. این روی آن قرار می‌گیرد و مظلوم‌نمایی را نمی‌توان گسترش داد و دیگر نمی‌توانند این را بیان کنند که ما این کشور را شکل دادیم، چون چنین ظلمی به ما شده بود. درنتیجه این مساله مهم است. ضمن اینکه فداکاری حوثی‌ها قابل تحسین است و بی‌اثر هم نیست، گرچه نمی‌خواهم بگویم خیلی بزرگ بوده اما روی اقتصاد اسرائیل تاثیر گذاشته، ولی یمن باید حواس جمع باشد که مساله غزه و دادگاه که مهم هستند، تحت تاثیر قرار نگیرند.»

ثمانه اکوان درباره شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در لاهه می‌گوید

سند ماندنی جنایات اسرائیل در تاریخ جهان

چند روز پیش، خبری امیدبخش تمام رسانه‌های جهان را تحت‌الشعاع قرار داد. آفریقای جنوبی در دادگاه لاهه علیه اسرائیل با عنوان نسل‌کشی شکایت کرد. این شکایت از دو منظر مهم بود. اول اینکه تا به امروز آفریقای جنوبی در جهان به‌عنوان یک کشور بی‌طرف در مساله فلسطین شناخته شده بود و حالا پرچم مبارزه علیه اسرائیل را در دادگاه بین‌المللی لاهه به دست گرفته است. دوم اینکه خود آفریقای جنوبی با توجه به تاریخی که از سرگذرانده، تجربه آپارتاید دارد و اکنون پرچمدار مبارزه علیه آپارتاید آشکار اسرائیل است. پس از انتشار این خبر، برخی‌ها انتقاد داشتند که چرا ایران جلودار شکایت علیه اسرائیل در دادگاه‌های بین‌المللی نشد؟ برخی از کارشناسان این حوزه معتقدند هرگونه اعلام رسمی له یا علیه اسرائیل در جهان، به‌عنوان مهر تایید بر موجودیت این رژیم صهیونیست است و این خلاف موازین جمهوری اسلامی در این سال‌هاست. بنابراین بهتر است با حمایت از آفریقای جنوبی در مبارزه کیفری علیه اسرائیل، آفردر شکل دادن به یک موج با پرچمداری این کشور تلاش کرد. برای بررسی این گزاره‌ها با ثمانه اکوان تحلیلگر مسائل منطقه به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

در دادگاه بین‌المللی باید از کشور شکایت کنیم نه دولتی که آن را به رسمیت نمی‌شناسیم

ثمانه اکوان در رابطه با شکایت آفریقای جنوبی در لاهه علیه اسرائیل و چرایی عدم ورود ایران گفت: «ورود آفریقای جنوبی یک ورود نمادین است که ریشه در مبارزات ضدآپارتاید نیز دارد. آفریقای جنوبی که تا به امروز به‌عنوان یک عضو بی‌طرف بوده و اکنون وارد شده و اسرائیل را به نسل‌کشی متهم کرده، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اما به نظر من جمهوری اسلامی نیز کوتاهی نکرده است. به دلیل اینکه براساس پروتکل‌های سیاست‌های وزارت خارجه ایران، ما اصلا کشوری به نام اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم. اگر شما بخواهید در دادگاه بین‌المللی شکایت کنید، از یک بازیگر نمی‌توانید شکایت کنید. بلکه باید از یک کشور شکایت کنید. وقتی ما کشوری به نام اسرائیل را نمی‌شناسیم، پس نمی‌توانیم از کشوری به نام اسرائیل شکایت کنیم. اصلا دلیلی هم ندارد؛ چراکه اگر شکایت کنیم، این کشور را به رسمیت شناخته‌ایم.»

احتمال تاثیر لابی اسرائیل بر حکم دادگاه لاهه

اکوان معتقد است که موضع فعلی وزارت خارجه، موضع درستی است و به نظر او باید این رویه را بیشتر ادامه دهد و ایران می‌تواند از سایر کشورهای حامی فلسطین، درخواست کند که از شکایت آفریقای جنوبی بیشتر حمایت کنند. این تحلیلگر امور خاورمیانه در این باره توضیح می‌دهد: «این حمایت‌ها از سوی کشورهای مختلف نیز صورت گرفته است. مثلا چهره شاخصی مانند جرمی کوربین از این شکایت حمایت کرده است. حالا باید ببینیم چه می‌شود. البته اگر ما خودمان به‌عنوان شاکی وارد قضیه می‌شدیم، چون نمی‌دانیم این دادگاه بین‌المللی چگونه با مساله برخورد می‌کنند، یک ریسک به حساب می‌آید؛ چراکه الان رژیم صهیونیستی حساس شده و نمی‌خواهد برچسب نسل‌کشی به او بخورد و شدیدا در حال لابی کردن است، هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ رسانه‌ای و قانونی. با توجه به جلسات اولیه و سخنرانی‌هایی که صورت گرفته بعید نیست که دادگاه بین‌المللی کیفری حکم چندان صریحی علیه اسرائیل به دلیل فشارهای آمریکا، انگلیس و خود این رژیم، ندهد. این یکی دیگر از دلایل عدم ورود مستقیم ایران به جریان شکایت علیه رژیم است اما ایران از این جهت که این رژیم به‌عنوان یک رژیم نسل‌کش معرفی شود درحال تلاش است و لابی‌های خودش را در سراسر جهان انجام می‌دهد.»

در دنیای ناعادلانه سندسازی برای تاریخ ارزشمند است

این تحلیلگر مسائل منطقه همچنین در پاسخ به چرایی عدم شکایت مستقیم ایران از حامیان اسرائیل نیز عنوان کرد: «مهم‌ترین مساله در شرایطی که در جهان بی‌عدالتی برقرار است و امیدی به برقراری عدالت در سازمان‌ها و محکمه‌های بین‌المللی وجود ندارد، این است که حداقل برای تاریخ یک سندی ایجاد کنیم که کشورهای دنیا به این جنایت، نسل‌کشی می‌گفتند و علیه این مساله هم شکایت کردند. یعنی اکنون با وجود اینکه مهم است بدانیم نتیجه دادگاه چه خواهد بود اما مهم‌تر آن است که این شکایت مطرح شود و این به‌عنوان سند در تاریخ ماندنی خواهد شد؛ چراکه بارها علیه خود آمریکا شکایت شده و تا دیوان بین‌المللی قضایی و کیفری هم رسیده است. اما آمریکا پس از آن قضات را تحریم کرده و تهدید کرده است تا نگذارد این پرونده بررسی شود. ماجرای جنایت آمریکا در افغانستان همین‌گونه بررسی نشد. اما دنیا چه واکنشی نشان داد؟ گفت که بالاخره از لحاظ تاریخی، سندی ماند که دیوان قرار بود این جنایت را بررسی کند اما اجازه ندادند. چون در هر صورت، جهان بر مدار عدالت نمی‌گردد و می‌توانیم فقط از لحاظ تاریخی امیدوار باشیم که این اسناد به‌عنوان جنایت در تاریخ باقی بمانند.»

راهی برای بهانه‌جویی توسط صهیونیست‌ها باقی نمانده است

او همچنین آینده این شکایت را این‌گونه پیش‌بینی کرد: «مهم‌ترین امری که در این دادگاه و شکایت آفریقای جنوبی مطرح است، این است که شما حتی اگر حمله ۷ اکتبر را تقصیر حماس بدانید، یعنی بگویید تمام تقصیرها گردن حماس است و رژیم صهیونیستی را برای جنگ تحریک کرد، باز هم پاسخ رژیم صهیونیستی متناسب با آن حمله نبوده است و خیلی فراتر از آن بود. همین یک جمله می‌تواند مبنای این باشد که عنوان نسل‌کشی را در دادگاه جلو ببرد. اینکه شما متناسب با آن حمله پیش نرفتید و مردم بی‌گناه را مورد هدف قرار داده‌اید.» اکوان همچنین ادامه داد: «اگر رژیم صهیونیستی بگوید سعی داشت رعایت کند اما نشد، این ادعای او در دادگاه مورد پذیرش نخواهد بود؛ چراکه می‌توانست کارهای اطلاعاتی و امنیتی انجام دهد و درنهایت نیروی حماس مورد هدف قرار گیرد اما در این مدت، تمام مردم را مورد هدف قرار داده است. ۸۰ درصد از ساختمان‌ها، کمپ پناهجویان، بیمارستان‌ها و حتی افرادی که سعی داشتند از غزه خارج شوند را هم مورد هدف قرار داده است. دلایل و اسناد زیاد است اما باید ببینیم آن اراده سیاسی در دادگاه وجود دارد؟ و اگر وجود دارد چقدر در مقابل آمریکا می‌تواند مقاومت کند؟»

سال‌ها تلاش اسرائیل در حوزه دیپلماسی عمومی بر باد رفت

این تحلیلگر مسائل منطقه همچنین در رابطه با چرایی حضور نماینده اسرائیل در این دادگاه و به رسمیت شناختن آن گفت: «رژیم صهیونیستی بعد از ماجرای ۷ اکتبر کاملا متوجه شد که افکار عمومی کل دنیا علیه اوست. رژیم صهیونیستی عضو دیوان بین‌المللی کیفری نیست و براساس همین نیز می‌تواند بگوید که این دادگاه اصلا صلاحیت بررسی ندارد. اما دادگاه‌ها، پرونده‌های کشورهایی که عضو نیستند را هم بررسی می‌کنند. اما خیلی نگران هستند و خود نتانیاهو افراد زیادی را برای این مساله به کار گرفته است؛ چراکه نمی‌خواهند افکار عمومی را بیش از این از دست بدهند.» اکوان در این باره ادامه داد: «تا پیش از ماجرای جنگ فعلی غزه، رژیم صهیونیستی دیپلماسی عمومی شدیدی به کار گرفته بود تا خودش را مظلوم جلوه دهد و بگوید او همیشه در این منطقه تحت حمله بوده و آرامش نداشته است. درصورتی‌که با پیش‌فرض رژیم صهیونیستی و تبلیغاتش، او حق دارد که در این منطقه زندگی کند اما از این به بعد افکار عمومی در کل دنیا و حتی کشورهای اروپایی، این گزاره‌ها و سیاست را از رژیم صهیونیستی نمی‌پذیرند و این علیه رژیم است. بنابراین کاری که این عملیات انجام داد، سال‌ها دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی را از بین برد و ماهیت اصلی این رژیم که قتل، غارت و نسل‌کشی است را به تمام عالم نشان داد. از این‌رو تلاشی که دارند انجام می‌دهند این است که کمی از فضای منفی به وجود آمده علیه خودشان کم کنند و درنهایت هم این دادگاه را ببرند تا بگویند آنها نسل‌کشی انجام ندادند. به نظر من هرکاری که انجام دهند، باز هم افکار عمومی را باخته‌اند.»